



محبت باید بی‌ریا باشد. از بدی بیزار باشید و به آنچه نیکوست، سخت بچسبید 10. با محبت برادرانه سرسپرده هم باشید. در احترام گذاشتن به یکدیگر، از هم پیشی بگیرید 11. هیچ‌گاه غیرت شما فروکش نکند؛ در روح شعله‌ور باشید و خداوند را خدمت کنید 12. در امید شادمان، در سختیها شکیبیا و در دعا ثابت قدم باشید 13. در رفع احتیاجات مقدسین سهیم شوید و میهمان‌نواز باشید 14. برای کسانی که به شما آزار می‌رسانند، برکت بطلبید؛ برکت بطلبید و لعن نکنید 15! با کسانی که شادمانند، شادی کنید، و با کسانی که گریانند، بگریید 16. برای یکدیگر ارزش برابر قائل باشید! مغرور نباشید، بلکه با کسانی که از طبقات محرومند، معاشرت کنید. خود را برتر از دیگران میندارید.

در "اینترنت" دستور العمل‌های زیادی برای زندگی وجود دارد. با مثل راه حل‌های ساده مانند: چگونه می‌توانید وزن خود را سریع کاهش دهید، نحوه پرورش کبوتر پستی یا نحوه حذف شکلات از فرش وجود دارند. موضوعات پیچیده تر هم هستند، مانند چگونگی حل بحران‌های ارتباطی، بین زان و مرد. پولس رسول به نظر می‌رسد امروز نیز چنین "دستور العمل برای زندگی" را پیشنهاد می‌کند. در آیه‌های کوتاه که ما می‌شنویم، او ۲۱ پیشنهاد در مورد چیزهای مهم در زندگی مسیحی به ما می‌دهد. این پیشنهادات پولس رسول در مورد این است که چگونه مسیحیان می‌توانند با همدیگر زندگی کنند. با این حال، آنچه که ما در "پدیده زندگی" پولس نمی‌بینیم این جمله است: "اگر شما این کار را می‌کنید، شما می‌تونید آن مشکل را حل کنید." به این جهت، توصیه رسول پولس از توصیه‌های عملی سخن نمی‌گوید که ما می‌توانیم در این دنیا شفا پیدا کنیم. برعکس، توصیه پولس رسول به ما نشان می‌دهد که چه چیزی در ما اشتباه است. بنابراین توصیه‌های رسول پولس بیشتر شبیه یک تشخیص است و به ما نشان می‌دهد که به چه دلیل خداوند از ما جدا است. به عنوان مثال: با شنیدن اینکه من باید دشمنم را دوست داشته باشم، ابتدا می‌بینم که من واقعاً نمی‌توانم دشمنم را دوست داشته باشم؛ وقتی که می‌شنوم که در هر موقع امیدواری و خوشحالی داشته باشم، ابتدا متوجه شدم که من امیدواری و خوشحال نیستم، اما اغلب خیلی ناراحت و غمگین هستم؛ وقتی می‌شنوم که بایستی در دعا ثابت قدم باشم، ابتدا متوجه شدم که هر روز دعا نمی‌کنم؛ هنگامی که می‌شنوم که من مجبور هستم به کسانی که می‌خواهند من را مورد آزار و اذیت قرار دهند، برکت دهم، متوجه می‌شوم که دشمنانم را دوست نداشتم. بنابراین آنچه که از رسولان پولس به دست می‌آید این است: راه حل مخفی است! چکار کنیم؟ چگونه می‌توانم به عنوان مسیحی در کلیسای من و در دنیا زندگی کنم همانطور که رسول در اینجا پیشنهاد می‌دهد؟ اگر کمی عمیق‌تر نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که پیشنهادات او همگی با روابط ارتباط دارند. شاید خوب باشد به نکته اصلی نگاه کنیم. به خصوص در دوران مدرن، ما انسان‌ها طبق اصل اساسی نادرست زندگی کنیم می‌گویند. مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین چیزی فردیت است. از این رو کل زندگی بر آزادی فردی یا حق فردی یا اجازه تصمیم‌گیری برای خود تأکید می‌شود. اما این یک اشتباه است. ما انسان‌ها همیشه در شبکه‌ای از روابط متولد می‌شویم که خودمان آن‌ها را انتخاب نکرده‌ایم. هر چیزی که هستیم چیزی نیست که تصمیم می‌گرفتیم، بلکه چیزی است که به ما داده شده است، فرهنگ، زبان، آموزش محصول اعمال تصمیمات ما نیستند، بلکه شبکه‌ای طولانی از روابط است که در آن متولد شده‌ایم. به این دلیل مهم است که به نکته اصلی تمام پیشنهادات رسول برسیم که در دنیا داریم. پس نکته پنهانی که همه اینها را به هم پیوند می‌دهد چیست؟ در اولین جملاتی که پولس به ما می‌دهد این اصل را می‌یابیم؟ پولس گفت محبت

باید بی‌ریا باشد. عشق واقعی همیشه ناب و بدون اشتباه است! این راه حل برای همه مشکلات است! این آسان است اما متأسفانه ما این عشق ناب را از دست دادیم. متأسفانه، ما از عشق ریا یا از عشق ناپاک می‌دانیم. چطور به عنوان مثال، دو نفر در یک نزاع دستگیری شدند. مبارزه با کلمات بد بود. پس از آن، احساس عصبانیت و خشم شدید داشتند. و هنگامی که مشکل داریم، این افکار را معمولا به خانه بردیم. آنها اجازه نداد که ما بتوانیم فراموش کنیم. حتی، زمانی که فردی را که به ما آسیب رسانده نمی‌بینیم، هنوز هم احساس خشم را داریم و عصبانیت با ما به خانه می‌رود. بعد از چند روز، دوباره با این شخص که ما را اذیت کرد روبرو می‌شویم. ما می‌خواهیم این شخص را نادیده بگیریم اما ما نمی‌خواهیم خود مان را شرمسار کنیم. بنابراین، ما با بهترین لبخند که می‌توانیم آن را انجام کنیم تلاش می‌کنیم، تظاهر کنیم که مهربان هستیم. اما عشق اجباری است و واقعی نیست. در خود مان آزار هستیم. خشم و ناامیدی که احساس می‌کنیم بر روی صورت ما مشخص است. این یک احساس ناراحت کننده است. عشق جعلی اینجوری است! این ناخوشایند است زیرا واقعیت نیست، فقط یک تظاهر است. بنابراین فقط یک نسخه ارزان از عشق واقعی است. این حتی مخالف وحشتناک از عشق واقعی است. او تظاهر می‌کند چیزی است که واقعی نیست. و جایی که حقیقت وجود ندارد، عشق هم نمی‌تواند وجود داشته باشد. هر کسی که از عشق فریب رنج می‌برد، دیر یا زود از آن عشق اشتبا خواهد شکست.

وقتی پولس پیشنهاد می‌کند که عشق باید درست باشد، از اول می‌گوید که چه جوری عشق منشاء دارد. منشاء عشق، همانطور که بسیاری از مردم فکر می‌کنند، در دل مردم یافت نمی‌شود. منشاء عشق تنها در خدا یافت می‌شود. "پس خداوند دنیا را اینقدر دوست داشت، تا او پسر خود را داد..." خداوند عشق را به اینقدر مشخص داد و این کار را از طریق عیسی مسیح انجام داد. این عشق خدا چنان قانع کننده است چون که او پسر خود عیسی مسیح را به ما داد. خداوند در صلیب جلجتا تمام ثروت خود را سرازیر کرد. و خودش را به ما داد. این عیسی منبع تمام عشق است. اگر من بخواهم عشق واقعی را تجربه کنم، تنها آن را در عیسی پیدا می‌کنم. در فصل اول رومیان، پولس می‌گوید که تمام عشق تنها از عیسی می‌تواند باشد. همه چیزهایی که مردم می‌توانند تولید کنند واقعی نیستند. بنابراین، آنها تظاهر می‌کنند. چیز فوق العاده این است که خدا عشق خود را برای خود حفظ نمی‌کند. از طریق عیسی خدا خود را به ما می‌دهد و بنابراین او نیز عشق خود را به ما می‌دهد. بله، عشق به خدا در عیسی مسیح بر روی کوه جلجتا نماند. عشق با عیسی در قبر ناپدید نشد! نه، عشق خدا به عیسی در حال حرکت است. این عشق عیسی از قبر بیرون رفت. این عشق نیز ۱۲ شاگرد را از مکان های مخفی خود آورده است و آنها را به سفر در سراسر جهان فرستاد و آن شاگردان انجیل عیسی مسیح اعلام کردند. تا امروز، این عشق در کل جهان مشخص است. او در زندان ها مسافرت می‌کند. در آنجا که مسیحیان می‌توانند کسی که آنها را شکنجه کرد ببخشند. این در راه است در جایی که فقیرترین مردم امید تازه بدون بازپرداخت بگیرند. و این عشق نیز در راه ماست. اگر نمی‌توانید برادر خود را ببخشید یا اگر احساس می‌کنید که تو نمی‌توانید فرمان های خوب خدا را حفظ کنید، این بدان معنی نیست که تو باید سخت تر کار کنی. نه، تو فقط باید بدانی کجا می‌توانی عشق واقعی را پیدا کنی. چند آیه قبل پولس این کلمات را می‌نویسد، او می‌گوید: "عشق خدا از طریق روح القدس داخل قلب ما ریخته می‌شود." این یک واقعیت است که خداوند از طریق غسل تعمید ما برقرار کرده است. به خاطر غسل تعمید، همه آنچه که عیسی برای ما بر روی صلیب انجام داده است نیز در ما فعال است. و این دقیقا راز ۲۱ دستورالعمل که توسط پولس رسول در این بخش است. با ۲۱ دستورالعمل او نمی‌خواهد به ما یک کتاب قانون جدید تجویز کند. پولس هیچ چیز غیر ممکن از ما انتظار ندارد. او به ما نمی‌گوید که ما باید بیشتر تلاش کنیم تا در نهایت مسیحیان واقعی باشیم! نه، ما در حال حاضر از طریق غسل تعمید مسیحی هستیم. و فقط چون ما مسیحیان هستیم، می‌دانیم که عیسی و روح القدس در ما کار می‌کنند. این در مورد من سخت تر نیست تا در نهایت به هدف برسد. اما این در مورد من نگه داشتن عیسی و زندگی از عشق او است. ما مسیحیان خورشید نیستیم، ما تنها در نور و گرمی که خداوند از طریق عیسی به ما داده است، ایستاده ایم. و از طریق این کار ما چیزی از عیسی می‌گیریم، که پس از آن

می تواند منتقل می شود. البته، متوجه شدم که عیسی کاملاً با من متفاوت است. اگر در مورد یک فرد عصبانی شدم یا اگر کسی به من صدمه بزند، این آسیب بین ماست. من نمیتوانم ببخش در عوض، من می خواهم فردی را که به من آسیب می زند مجازات کنم. بنابراین پس از یک اقدام انتقام در هر عمل بد انجام می شود. متأسفانه ما فقط این کار را بکنیم. عیسی در نهایت این زنجیره را شکست. عشق او اساساً متفاوت است. با توجه به تنفر با عشق، جهان را تغییر می دهد. در انجیل امروز ما شنیدیم که عیسی از آب شراب ساخت. این آب یهودیان نیاز داشتند که برای عبادت آیین خود استفاده کردند. این کار عیسی اولین معجزه بود و علامت عیسایی برای همه کارهایش است. عیسی نمی خواهد به ما کمک کند تا مردم حتی بهتر شوند. نه، عیسی باید اساساً شراب را در خمره شراب های قدیمی تغییر دهد. این باید چیزی جدید را از آن می سازد. دقیقاً همانطور که عیسی شراب را از آب به وجود آورد، بنابراین او امروز با ما این کار را می کند. و چون عیسی این کار را می کند، می دانم که عشق او میان ما هرگز بدون میوه نخواهد بود. آمین